

تبیین سبک‌های گوناگون ترجمه استعاره‌های قرآنی

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۲)

اصغر جلالوند*

حسین تک تبار فیروزجائی**

دکتر مهدی ناصری***

چکیده:

ترجمه قرآن مستلزم دانش و آگاهی بسیار به هنر ترجمه، تفسیر و چند شاخصه مهم دیگر است. یکی از این شاخصه‌ها یعنی علم بلاغت و یکی از زیرشاخه آن یعنی استعاره، در ترجمه از ارزش و اهمیت بسزایی برخوردار است. استعاره در قرآن، بارها به کار رفته و ترجمه صحیح آن نیز یکی از امور بسیار مهم و شاید دشوار است. نگارندگان در این جستار برآنند که به بررسی و شناخت چند ترجمه گوناگون (معزی، شعرانی، خرمشاهی، فولادوند، الهی قمشه‌ای و صفوی) از استعاره‌های قرآنی بپردازند. با روش توصیفی-تحلیلی ابتدا به شناخت انواع ترجمه و نوع ترجمه مترجم‌های این کتاب وحی پرداخته، در ادامه با بیان ترجمه‌های هر کدام در رابطه با استعاره به بررسی سبک این ترجمه‌ها پرداخته شده و با توجه به ترجمه‌های تحت‌اللفظی، وفادار و آزاد، خصوصیت‌ها و ویژگی‌های ترجمه هر یک از این استعاره‌ها تبیین می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد استعاره‌های قرآنی بیشتر در سبک «ترجمه آزاد» نمود داده شده و «الهی قمشه‌ای» بهترین عملکرد را در ارائه ترجمه استعاری داشته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، استعاره‌های قرآنی، سبک ترجمه استعاره، نقد ترجمه.

سال اول

شماره اول

پائیز و زمستان

۱۳۹۶

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم؛ قم؛ ایران.

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم؛ قم؛ ایران (h.taktabar@yahoo.com).

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم؛ قم، ایران (نویسنده مسئول) (mahdinaseri23@yahoo.com).

مقدمه

ترجمه، نقش بزرگی در گسترش و توسعه فرهنگ و تمدن دارد و یک نکته اساسی در پژوهش‌های امروزی برای گذر از تنگناهای فرهنگ‌شناسی و زبان‌شناسی به شمار می‌رود. (Sekhri Ouided, ۲۰۰۸: ۴) شاید ترجمه در نگاه نخست بسی آسان به چشم آید ولی اگر با دیده ژرف به آن بنگریم، درمی‌یابیم که دارای دشواری‌های زیادی است. «همان قدر که اهمیت ترجمه امری است بدیهی و غیرقابل انکار است، به همان اندازه هم فن ترجمه و هنر بازآفرینی یک مقاله یا کتاب از زبانی به زبان دیگر امری است مشکل». (زرکوب، ۱۳۷۸: ۱) یکی از این دشواری‌ها را می‌توان در ترجمه استعاره (Metaphor) نام برد. ترجمه استعاره، ریزه‌کاری‌های فراوانی دارد که اگر به آنها پرداخته نشود، نمی‌توان به دستاورد تازه و فرجامی نیکو، دست یافت. نوشتارهای ادب عربی از این آرایه علم بلاغت بیانی، بسیار بهره جسته است. قرآن به منزله گرانمایه‌ترین این نوشتارها که نه تنها از آموزه‌های والای الهی بسیار سخن رانده، بلکه از روزنه ادب نیز که از دیگر نوشته‌های ادبیات تازی پیشتازی می‌کند، استعاره را بارها و بارها به کار برده است.

ترجمه قرآن یکی از بهترین راه‌های خدمت به قرآن و اسلام، و آسان‌ترین راه تفهیم و تفهّم قرآن است و مترجم با توانایی، دقت و اندیشه خویش در قالب کلمات و با ساده‌ترین روش، معانی نهفته در آن را منتقل می‌کند ولی هیچ مترجمی نمی‌تواند تمامی پیچ و خم‌های زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل نماید؛ چون هر زبانی ویژگی‌های خاصی دارد که در زبان دیگری یافت نمی‌شود، ولی باید تلاش کند متن ترجمه شده تا اندازه‌ای در خواننده تأثیر بگذارد که اگر ترجمه‌اش به این حد و اندازه برسد، کار خویش را بدون نقص انجام داده است. (جهان‌بین، ۱۳۸۸: ۲۱۱) ترجمه قرآن پیشینه دیرینه‌ای دارد و از زمان صدر اسلام آغاز می‌شود؛ چنانکه سلمان فارسی اقدام به ترجمه بخشی از قرآن نموده است. (شواخ اسحاق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۳) از سوی دیگر، بسیاری از مترجم‌های پارسی زبان ادب تازی و بویژه قرآن کریم به ترجمه این کتاب آسمانی دست زده‌اند که در این میان می‌بایست بررسی و شناخت ترجمه این مترجم‌ها در گستره ترجمه استعاره‌های قرآنی، مورد توجه قرار گیرد. بررسی یادگیری بلاغت عربی در میان کسانی که عربی‌زبان نیستند، کار ساده‌ای نیست هر چند که اگر مدرس این علم، دارای دانش و درایت گسترده‌ای از فرهنگ عربی و اسلامی باشد، کار دشوار و ناممکنی نیز به چشم نمی‌آید. (ابن‌احمد العطاس، ۱۴۲۴ق: ۷۷۹) استعاره نیز - به عنوان یکی از بخش‌های مهم علم بلاغت - یک هنر زیبا در دست نویسنده یا گوینده است که آن را برای گیرا نمودن گفتارهای خویش به کار می‌برد. استعاره «در زمره قوی‌ترین و متعالی‌ترین فنون بیانی به شمار می‌آید و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد». (ادیبی مهر، ۱۳۸۶ش: ۴۳) و «کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح، ابزار نقاشی در کلام است». (شمیسا، ۱۳۷۴ش: ۱۴۲)

گیرایی استعاره از گونه‌ای دلپسند (منظور از گونه‌ای دلپسند چیست؟) به دست می‌آید که حاصل همانندی‌ها و شباهت‌های تازه‌ای است که از آن نمایان می‌گردد و این گیرایی ناشی از به شگفتی آمدن از دریافت و شناخت برخی از این همانندی‌ها است. (هاوکس، ۱۳۹۰ش: ۲۲) استعاره، پایه‌ ارزشمند گفتار آدمی به شمار می‌رود؛ چرا که نشانه‌ای بنیادی در انگیزش، ابزاری برای بیان، سرچشمه‌ همانندآوری و گوناگونی معانی، راز بیان عاطفه‌ها و دریافت‌های پر جوش و خروش درونی و ابزاری برای پرمودن جای خالی واژگان است. (ابوالعدوس، ۱۹۹۷م: ۷)

با توجه به دیدگاه این نویسندگان درباره‌ ارزش «استعاره»، از آن می‌توان به منزله‌ نوعی نگرش برای گیرایی گفتار نویسنده یاد کرد. از این رو، می‌بایست به ترجمه‌ این هنر بلاغی بویژه در گفتار والای پروردگار، با دیده‌ ژرف‌تر چشم دوخت تا گیرایی، شیوایی و نهفته‌های این گفتار والا بیش از پیش بر همگان آشکار گردد.

پرسش‌های پژوهش

- کدام مترجم‌ها بهترین عملکرد را در ترجمه‌ استعاره‌های قرآنی داشته‌اند؟
- کدام یک از سبک ترجمه‌ها، زیبایی استعاره‌های قرآنی را بیشتر انعکاس می‌دهد؟

پیشینه‌ پژوهش

در گستره‌ هنر ترجمه، تاکنون مقاله‌ها و نوشتارهای بی‌شماری به رشته نگارش درآمده است که هر کدام تا اندازه‌ای به گوشه‌ای از این هنر پرداخته‌اند. تاکنون چندین مقاله در رابطه با این موضوع، نگاشته شده است که عبارتند از: «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرآیند ترجمه، نوشته‌ رضا امانی و یسرا شادمان»؛ «استعاره در قرآن و دشواری ترجمه‌ آن، نوشته یعقوب جعفری»؛ «روش‌شناسی و نقد ترجمه‌ مجاز در قرآن کریم»، نوشته‌ رضا امانی، لیلا زربخش و ام البنین فرهادی»؛ «دشواری ترجمه‌ استعاره با تأکید بر شیوه‌های برگردان استعاره‌های قرآنی در ترجمه‌ی طبری»، نوشته‌ علیرضا باقر و «نقد استعاره تمثیلیه در کتب بلاغی»، نوشته‌ علی سینا رخشنده‌مند. هرچند این مقاله‌ها مشعل راه پژوهش حاضر بوده‌اند، ولی مقاله‌ کنونی با نگرشی تازه به این امر پرداخته است؛ چرا که ترجمه‌ فارسی ده استعاره گزینش شده از قرآن کریم از شش مترجم را از منظر سه سبک ترجمه (تحت‌اللفظی، وفادار و آزاد) بررسی می‌نماید.

روش پژوهش

نگارندگان در این پژوهش، از شیوه‌ توصیفی - تحلیلی بهره گرفته و در گردآوری داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای و به کار گرفتن کتاب‌ها و مقالات و همچنین نگرش به چند ترجمه

گونگون قرآن کریم، توجّه داشته‌اند. روند این پژوهش به گونه‌ای است که نخست انواع ترجمه و چند مترجم که ترجمه آنها در این جستار بررسی شده، شناسایی شده، سپس درباره تعریف استعاره بازشناختی بیان شده، پس از آن راهکارها و شیوه‌های ترجمه استعاره ذکر گردیده و در ادامه به بررسی ترجمه استعاره‌های قرآنی پرداخته شده است. شایان ذکر است که نگارندگان تنها به شناسایی و بررسی سبک ترجمه‌ها پرداخته‌اند.

انواع ترجمه‌ها و شناخت مترجم‌ها

«پیتر نیومارک» نظریه‌پرداز برجسته ترجمه، ترجمه را به انواعی تقسیم کرده است؛ از جمله: ترجمه لفظ به لفظ (word-for-word translation)، ترجمه تحت‌اللفظی (Literal translation)، ترجمه وفادار (Faithful translation)، ترجمه معنایی (Semantic translation)، اقتباس (Adaptation)، ترجمه آزاد (Free translation)، ترجمه اصطلاحی (Idiomatic translation) و ترجمه ارتباطی (Communicative translation). (نیومارک، ۱۳۸۶ ش: ۵۶)

نگارندگان ترجمه‌ها را در این سه بخش کلی بررسی کرده و مترجم‌ها را نیز در زیرمجموعه آن قرار داده‌اند:

ترجمه تحت‌اللفظی: «ابوالحسن شعرانی و محمد کاظم معزی».

ترجمه وفادار (امین): «بهاء‌الدین خرمشاهی و محمد مهدی فولادوند».

ترجمه آزاد (تفسیری): «مهدی الهی‌قمشه‌ای و محمدرضا صفوی».

شایان ذکر است که مترجم‌های مذکور در سراسر ترجمه خود بر اساس این سه دسته‌بندی، عمل نکرده‌اند و شاید در گوشه‌ای از ترجمه خویش به شیوه دیگری پا در رکاب ترجمه نهاده باشند. در این پژوهش ادبی به شناخت و بررسی گوشه‌ای از ترجمه‌های استعاری این سه گروه پرداخته شده و به خاطر گستردگی این ترجمه‌ها، بررسی دیگر ترجمه‌های استعاری آنها به مجالی دیگر واگذار گردیده؛ چرا که بررسی همه آن در توان جستار کنونی نمی‌گنجد.

بازشناخت استعاره

استعاره در لغت به معنای عاریه خواستن است. استعار الشیء منه: «طَلَبَ أَنْ يُعْطِيَهُ إِيَّاهُ عَارِيَةً» (مجمع اللغة العربیة، ۱۹۹۴م: واژه عَوْرَ) «وَ طَلَبَ مِنْهُ أَنْ يُعِيرَهُ إِيَّاهُ: از او خواست که آن را به او عاریه دهد» (ابن منظور: واژه عَوْرَ) و در اصطلاح بلاغت عبارت است از اینکه لفظ در غیر معنای ما وضع له (حقیقی) با وجود علاقه مشابهت میان معنای مجازی و معنای اصلی و با قرینه‌ای که مانع از اراده معنای اصلی می‌گردد، به کار رود. (سقال، ۱۹۹۷م: ۱۶۰)؛ و (الهاشمی، ۱۹۹۹م: ۲۵۶) به سخنی دیگر و از زبان القاضی الجرجانی: «استعاره آن است که با اسمی بدل از اصل بسنده گردد و عبارت با اسم مستعاری بیان شود که در جای غیر

خود آمده است». (هداره، ۱۹۸۹م: ۶۴)

استعاره، از بهترین ابزار انتقال زبان از کاربرد حقیقی به کاربرد مجازی و ادبی آن است. (امیرمشهدی و همکاران، ۱۳۸۹ش: ۸۱) زبان مجازی (و از جمله کاربرد استعاره) حاصل کوشش و خلاقیت ذهنی است، بر اساس هنجارهای خاص زیباشناختی برای درهم شکستن قاعده‌های متعارف زبان عادی. (همان: ۸۲) استعاره، همان تشبیه است بطور اختصار. استعاره ابلغ از تشبیه است؛ چرا که اصل استعاره، تشبیه بوده که یکی از دو طرف آن «مشبه: مستعارله» یا «مشبه‌به: مستعارمنه» با وجه شبه و ادات آن حذف شده است مثل «رأيتُ أسداً يرمى» که اصل آن «رأيتُ رجلاً شجاعاً كالأسدٍ في الشجاعة» بوده است.

راهکارهای ترجمه استعاره:

عبدالقاهر جرجانی دو شیوه برای ترجمه استعاره پیشنهاد می‌دهد: «۱. تحت‌اللفظی، ۲. معنایی» به گونه‌ای که مثلاً در این آیه «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...» (ابراهیم: ۱) که «الظلمات» استعاره از «گمراهی‌ها» و «النور» استعاره از «هدایت» است، اگر آن‌ها را به «تاریکی‌ها» و «روشنایی» (مستعارمنه) ترجمه کنیم، ترجمه تحت‌اللفظی از استعاره ارائه داده‌ایم و اگر به «گمراهی‌ها» و «هدایت» (مستعارله) ترجمه شود، ترجمه‌ای معنایی صورت پذیرفته است. (امانی و شادمان، ۱۳۹۱ش: ۱۴۶-۱۴۵) که از این دید، می‌توان گفت «ترجمه استعاری» ترجمه‌ای است که در معنای «غیر ما وضع له» یا معنای مجازی یعنی به شیوه خود استعاره آمده است و «ترجمه غیر استعاری» ترجمه به کار رفته در معنای «ما وضع له» یا معنای حقیقی آمده و به سخنی دیگر به شیوه استعاره، ترجمه نشده است. افزون بر این، هنگامی ترجمه تحت‌اللفظی استعاره مورد قبول است که آن استعاره در زبان مقصد نیز به کار رود ولی اگر عین یا معادل آن در زبان مقصد وجود نداشته باشد، می‌بایست عین ترجمه را همراه با توضیح و مفهومی از استعاره بیان نمود؛ با این توضیحات، در ترجمه استعاره، چند روش در پیش گرفته می‌شود:

الف) ترجمه استعاری مطلوب: ذکر عین استعاره در صورت کاربرد در زبان مقصد.

ب) ترجمه استعاری نامطلوب: ذکر عین استعاره که در زبان مقصد کاربرد ندارد.

ج) ترجمه معادلی: بیان نزدیک‌ترین برابر به شیوه استعاره در صورت نبود عین استعاره در زبان مقصد.

د) ترجمه بینابین: ذکر عین استعاره و افزودن مفهوم آن در صورت نبود عین و معادل استعاره در زبان مقصد.

ه) ترجمه غیر استعاری: ذکر معنای حقیقی استعاره بدون توجه به استعاره به کار رفته.

استعاره‌های قرآنی

قرآن، رساترین و شیواترین نوشته‌ای است که آدمی از آوردن یک سوره یا حتی یک آیه همانند آن، ناتوان است و یکی از علت‌های این امر، کاربرد شایسته و شگرف آرایه‌های بلاغی و در گوشه‌ای از آن، بیان استعاره‌های دلکش و گیرا است که خداوند به زیباترین گونه - که از توان آدمی بیرون است - آنها را آورده است. ابوهلال عسکری (۳۹۵ق) راز بلاغت قرآن و درک اعجاز آن را در گرو آشنایی به بلاغت قرآن می‌داند و بر این باور است که اگر آدمی در فراگیری علم بلاغت، سستی ورزد و فصاحت و بلاغت قرآن را درک نکند، اعجاز این کتاب آسمانی را در نمی‌یابد و زیبایی کلام پروردگار برای او آشکار نمی‌گردد. (العسکری، ۱۹۵۳م: مقدمه)

استعاره‌های قرآنی مورد بحث این جستار

استعاره تصریحیه یا مصرّحه

«أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ...» (بقره: ۸۶)، «بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ...» (بقره: ۱۱۲)، «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۹۴)، «وَأَيَّةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ» (یس: ۳۷)، «إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ» (حاقة: ۱۱)، «...لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ...» (نساء: ۵۶).

استعاره مکنیه یا بالکنایه

«وَإخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ...» (اسراء: ۲۴)، «...وَاشْتَغَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا...» (مریم: ۴)، «إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ» (حاقة: ۱۱).

استعاره تمثیلی

«يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتِطِيعُونَ» (قلم: ۴۲)، «وَالْتَفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ» (قیامت: ۲۹).

۱. «...وَاشْتَغَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا...» (مریم: ۴)

و [موی] سرم از پیری، سپید گشته. «فولادوند»

برف پیری بر سرم نشسته است. «خرمشاهی»

و مشتعل شد سر از راه پیری. «شعرانی»

و درخشید مرا سر به پیری. «معزی»

و پیری در سرم شعله‌گونه برافروخته. «صفوی»

فروغ پیری بر سرم بتافت. «الهی قمشه‌ای»

۱-۱. شرح استعاره

در این آیه، موی سپید در سپیدی و درخشانی به اخگر آتش، همانند شده است؛ سپس فروزندگی از جهت مبالغه به سر، که سپیدی و پیری در آن جای می‌گیرد، اسناد داده شده است. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۸: ۱۹۳) به سخنی دیگر، گسترش سپیدی در سر به افروختن آتش در هیزم، همانند شده و افروختن و شعله‌وری برای گسترش و پراکندگی استعاره آورده شده است.

(نوع استعاره: استعاره مکنیه اصلیه: مستعارله (ذکر شده): سر - مستعارمنه (ذکر نشده): هیزم یا اخگر برافروخته)

آری، زکریا سر خود را به هیزم فروزان تشبیه ساخته، سپس مشبه به (هیزم) حذف شده و با یکی از لوازمش (یعنی اشتعال) به آن اشاره داشته است. قرینه این استعاره، تخیلیه به شمار می‌رود؛ یعنی اثبات لازم مشبه به محذوف برای مشبه مذکور در کلام تخیل است (اشتعال برای سر). (قلقیله، ۱۹۹۲ م: ۶۵) به عبارتی دیگر «سر به هیزم همانند شده، سپس مشبه به حذف گردیده و با یک از لوازم آن (إشتعل) به آن اشاره شده است». (الجارم و امین، [۱۹۹۹ م]: ۷۸)

۲-۱. نقد ترجمه‌ها

ترجمه «فولادوند» هیچ‌گونه استعاره‌ای را در خود ندارد؛ چرا که سپیدی را به جای اشتعال که از لوازم مستعارمنه (هیزم) است، جایگزین ساخته است. «خرمشاهی» نیز خواه یا ناخواه، استعاره قرآنی را با تشبیه (تشبیه سپیدی به برف) ترجمه کرده که کاربرد تشبیه به جای استعاره نمی‌تواند تکلیف زیبایی استعاره را به خوبی ادا نماید. دیگر مترجم‌ها یعنی «شعرانی، معزی، صفوی و الهی‌قمشه‌ای» در ترجمه خویش به معنای استعاری آیه توجه نموده‌اند و معنای تحت‌اللفظی آیه را با ذکر لفظ مستعار (مشتعل شدن، درخشیدن، شعله‌گون شدن و فروغ تافتن) آورده‌اند که این خود باعث شده بار زیبای معنای استعاری آیه به درستی به اندرون خواننده، روان شود.

۲. ﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ (قلم، ۴۲)

[ای پیامبر] یاد کن روزی را که کار به شدت دشوار می‌شود. «صفوی»

در آن روز بسیار سخت به سجده خدا خوانده شوند و نتوانند. «الهی قمشه‌ای»

روزی که کار، زار [و رهایی دشوار] شود و ... «فولادوند»

روزی که هنگامه بالا گیرد و آنان را به سجده دعوت کنند ولی نتوانند. «خرمشاهی»

روزی که کشف کرده شود از ساق و ... «شعرانی»

روزی که گشوده شود از ساق (برده از روی کار برداشته شود) و... «معزی»

۲-۱. شرح استعاره

در این آیه، استعاره تمثیلی در «يَوْمٌ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» به چشم می‌خورد. «برداشتن پوشش از ساق و آستین بالا زدن ضرب‌المثلی است که در سختی و دشواری زده می‌شود؛ چرا که هر که در کار سختی افتد، می‌بایست آستین بالا زند». (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹: ۵۲) «منظور از «یوم» در اینجا «روز قیامت» است یا «دنیا»؟ نخست اینکه اکثریت آن را «روز قیامت» می‌دانند. دوم اینکه در تفسیر «ساق» چند وجه هست که گفته شده: شدت و سختی، اندوه، بلاه و سختی و شدیدترین و سخت‌ترین ساعت در قیامت است. نظر این قتیبه: اصل این عبارت این است که چون مرد در امر مشکل و بزرگی قرار بگیرد، می‌بایست تلاش و جدیت به خرج دهد؛ از این رو آستین بالا می‌زند که «کشف عن ساقه» در هنگام سختی گفته می‌شود. (الرازی، ۲۰۰۰م، ج ۳۰: ۸۳-۸۲) صاحب کشف نیز در تفسیر آیه گفته است: «الکشف عن الساق و الإبداء عن الخدام» مثلی است که در شدت امر و سختی کار زده می‌شود. بنابراین معنای «يَوْمٌ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» می‌شود: (یوم یشتد الأمر و یتفاقم). (الزمخشری، [د.ت.]. ج ۴: ۵۹۷) بنابراین هیأت در سختی و دشواری افتادن به هنگام قیامت، به هیأت آستین بالا زدن در دشواری برای جدیت و انجام آن تشبیه شده است.

۲-۲. نقد ترجمه‌ها

در ترجمه‌های بیان شده، همانطور که می‌بینیم «صفوی، الهی قمشه‌ای و فولادوند» معنای حقیقی استعاره آیه را در ترجمه خود بیان نموده‌اند که این امر هر چند خواننده را به مفهوم آیه رهنمون می‌سازد ولی جنبه استعاری آن، در نظر گرفته نشده است. البته «خرمشاهی» نیز به شکلی دیگر ترجمه معنای حقیقی استعاره را بیان نموده است. از سویی دیگر ترجمه «شعرانی و معزی» تنها ترجمه لفظ به لفظ است که استعاره زبان مبدأ در آن حفظ شده ولی تا اندازه‌ای برای خواننده زبان مقصد نامفهوم است.

۳. «وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ...» (اسراء، ۲۴)

و از سر مهربانی بال فروتنی را برای آن دو بگستر. «صفوی»
و بر آنان بال فروتنی مهرآمیز بگستر. «خرمشاهی»
و فروخوابان برای آنان بال فروتنی را از مهر. «معزی»
و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران. «الهی قمشه‌ای»
و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر. «فولادوند»
و فرود آور برای آندو، بال تواضع را از مهربانی. «شعرانی»

۳-۱. شرح استعاره

استعاره به کار رفته در این آیه، استعاره مکنیه یا بالکنایه است. «فروتنی به پرنده‌ای تشبیه‌ای شده و برای آن به شیوهٔ تخییل بال، اثبات شده است. در «اخفض» نیز ترشیح وجود دارد». (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵: ۳۴)

(نوع استعاره: استعاره مکنیه مرشحه: مستعارله (ذکر شده): فروتنی - مستعارمنه (ذکر نشده): پرنده)

۳-۲. نقد ترجمه‌ها

در همهٔ ترجمه‌ها، عین استعاره به کار رفته در آیه آمده است که این امر سبب گیراتر شدن ترجمه می‌شود و خواننده را با دریای بی‌کران بلاغت قرآن تا اندازه‌ای آشنا می‌سازد؛ چرا که «بال فروتنی گستراندن» در ادب فارسی نیز کاربرد دارد و خواننده به آسانی می‌تواند مراد آیه را دریابد.

۴. ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۗ﴾ (بقره: ۸۶)

اینان همان کسانی‌اند که دنیا را خریده و ملک ابدی آخرت را فروختند. «الهی قمشه‌ای» اینان همان کسانی‌اند که زندگی دنیا را به بهای آخرت خریده‌اند. «صفوی» آنانند که خریدند زندگانی دنیا را به آخرت. «معزی» همین کسانی‌اند که زندگی دنیا را به (بهای) جهان دیگر خریدند. «فولادوند» اینان کسانی هستند که زندگانی دنیا را به بهای آخرت خریدند. «خرمشاهی» آن گروه آنانند که خریدند زندگانی دنیا را به آخرت. «شعرانی»

۴-۱. شرح استعاره

در شرح این استعاره می‌بایست چنین افزود که «خریدن در این آیه به معنای برگزیدن زندگانی دنیا و عوض نمودن آن با آخرت است». (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۹۰) در این آیه «خریدن به معنای برگزیدن و انتخاب نمودن آمده است». (الجارم و امین، پیشین: ۹۰)

(نوع استعاره: استعاره تصریحیه تبعیه: مستعارله (ذکر نشده): عوض کردن - مستعارمنه (ذکر شده): خریدن)

۴-۲. نقد ترجمه‌ها

با نگرش به ترجمه‌ها در می‌یابیم که همه مترجم‌ها درک درستی از استعاره این آیه داشته و معنای استعاری آن را در ترجمهٔ خویش به کار برده‌اند که این امر، سبب شده تا بار معنای

زیبای استعاره با آوردن معنای مجازی آن، بیشتر نمایان گردد.

۵. «وَأَلْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ» (قیامت: ۲۹)

و ساق‌های پا (از شدت غم عقبی و حسرت دنیا) به هم بیچد. «الهی قمشه‌ای»
 و ساق پاهایش به یکدیگر بیچد (پی در پی تا روز قیامت به او رنج و سختی رسد).
 «صفوی»

و ساق پاها از سختی جان دادن به هم بیچد. «فولادوند»

و هنگامه بالا گیرد. «خرمشاهی»

و پیچیده شود ساق بساق. «شعرانی»

و بیچد ساق به ساق. «معزی»

۵-۱. شرح استعاره

در این آیه، استعاره تمثیلی به چشم می‌خورد. ساق به ساق خوردن «به خاطر دوری از میهن، خانواده، دوستان و فرزندان و همچنین سختی آمدن به سوی پرودگار (یعنی زمان مرگ) است. این دو سختی به هم در آمیخته و برخوردند همانگونه که ساق به ساق در می‌بیچد». (الصافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹: ۱۷۸) «در تفسیر آیه گفته شده: «وَأَلْتَفَّتِ سَاقَهُ بِسَاقِهِ: وَالتوت علیها عند غلزال موت» یعنی در بی‌قراری و ناآرامی زمان مرگ، ساق پاهایش در هم می‌بیچد. همچنین گفته شده: «شده فراق الدنيا بشده إقبال الآخرة» با وجودی «الساق» در معنای سختی و شدت است. (الزمخشری، [د.ت. ج ۴: ۶۶۴] از این رو می‌توان گفت که هیأت ناتوانی انسان در مواجهه با سختی‌های زمان مرگ به هیأت پیچیده شدن دو ساق پا به یکدیگر، تشبیه شده است که آدمی دیگر توان جنبش و حرکت نخواهد داشت.

۵-۲. نقد ترجمه‌ها

در ترجمه این آیه باید متذکر شد که اگر استعاره در زبان مقصد کاربرد دارد، می‌بایست عین استعاره بیان شود و اگر وجود ندارد، باید معادل آن ذکر شود و در صورتی که هم عین استعاره و هم معادل آن در زبان مقصد وجود نداشته باشد، چاره این است که عین استعاره ذکر و مفهوم استعاره به گونه‌ای موزن در گیومه یا مانند آن ذکر گردد. با این وجود، می‌بینیم که ترجمه «فولادوند» و تا اندازه‌ای هم ترجمه «الهی قمشه‌ای» با ترجمه‌ای لفظی و همچنین ذکر مفهوم استعاره به شیوه «ترجمه بینابین» تا اندازه‌ای از دیگر ترجمه‌ها موفق‌تر است و سعی کرده‌اند که معنای نهفته در استعاره‌ها را نیز تا اندازه‌ای در لابلای ترجمه خویش بگنجانند. همچنین «صفوی»، هم ترجمه‌ای لفظی و هم مفهومی از استعاره ارائه داده است که با توجه به شرح استعاره، در می‌یابیم که شرح مفهومی ایشان (پی‌درپی تا روز قیامت به

او رنج و سختی رسد) نادرست و ترجمه‌ای غیراستعاری است. ترجمه «خرمشاهی» هم، تنها مفهومی کلی از استعاره است که معنای استعاری در نظر گرفته نشده است. ترجمه «معزی» و «شعرانی» نیز با وجود رعایت جنبه استعاری ولی برای خواننده زبان مقصد تا حدی نامفهوم است که می‌بایست اشاره‌ای به مفهوم استعاره شود.

۶. «بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ...» (بقره: ۱۱۲)

بلکه هر کس تسلیم خدا باشد، و با تمام وجود به او گرایش یابد و نیکوکار باشد. «صفوی» آری، هر که تسلیم حکم خدا گردید و نیکوکار گشت. «الهی قمشه‌ای» آری هر کس که خود را با تمام وجود به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد. «فولادوند» حق اینست که هر کس روی دل به سوی خدا نهد و نیکوکار باشد. «خرمشاهی» بلکه هر که رویش را به خدا آورد و نیکوکار باشد. «معزی» بلکه هر کس تسلیم خدا باشد، و با تمام وجود به او گرایش یابد و نیکوکار باشد. «صفوی» آری آنکه خالص گردانید وجه شرا از برای خدا و او نیکوکار است. «شعرانی»

۶-۱. شرح استعاره:

در این آیه، استعاره تصریحیه، نهفته است؛ به گونه‌ای که «اسلم» به معنی «اقتل» آمده است. (الصافی، [د.ت.]، ج ۱: ۱۳۱)
(نوع استعاره: استعاره تصریحیه تبعیه: مستعارله (ذکر نشده): روی آوردن - مستعارمنه (ذکر شده): تسلیم نمودن)

۶-۲. نقد ترجمه‌ها:

در این آیه، «صفوی» در ترجمه، هم از معنای اصلی بهره جسته و هم معنای مجازی یا استعاری آیه را بیان نموده است که به سبب این امر، خواننده به آسانی می‌تواند پیوند نزدیک میان معنای استعاری یا مجازی را با معنای حقیقی و غیر استعاری به خوبی دریابد، ولی ترجمه‌ای «بینابین» به شمار می‌رود. مترجم‌هایی چون «الهی قمشه‌ای» و فولادوند نیز معنای مجازی یا استعاری آیه را در ترجمه خود گنجانیده‌اند. البته «خرمشاهی» در ترجمه این آیه استعاره را با استعاره به شیوه «ترجمه معادلی» بیان نموده است که به زیبایی ترجمه او نیز افزوده است. هر چند اگر به ترجمه دیگر مترجم‌ها یعنی «معزی و شعرانی» با دیده ژرف بنگریم، می‌بینیم که این نوع ترجمه بیشتر بر پایه معنای حقیقی آیه استوار بوده و به معنای غیراستعاری آن نگرش داشته‌اند، این در حالی است که به ترجمه مجازی یعنی استعاره در نوشته‌های خود ارجحی نهاده‌اند.

۷. «وَأَيُّ لَهِمَّ اللَّيْلُ نَسَلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ» (یس: ۳۷)

و نشانه‌ای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن برمی‌کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می‌روند. «فولادوند»

و برای آنان، شب پدیده شگرفی است که روز را از آن جدا می‌سازیم که آنگاه در تاریکی فرو می‌روند. «خرمشاهی»

و آیتی برای ایشان، شب است که برکنیم از آن روز را ناگاه ایشانند به تاریکی شدگان. «معزی»

و آیتی است مر ایشان را شب که بیرون می‌کشیم از آن، روز را پس آن گاه آنها داخلانند در تاریکی. «شعرانی»

و برای آدمیان نشانه‌ای دیگر بر ربوبیت و یکتایی خدا در تدبیر آسمان‌ها همین شب است که روز را از آن به در می‌آوریم و ناگهان آنان دوباره در تاریکی فرو می‌روند. «صفوی»

(در اثبات قدرت حق) وجود شب است که ما چون پرده روز را از آن برگیریم ناگهان همه آنان (و همه چیز) در تاریکی فرو می‌روند. «الهی قمشه‌ای»

۷-۱. شرح استعاره

در این آیه شریفه، «السَّلَخُ: کندن پوست از ستوران» برای اندک اندک کنار رفتن پرتو روشنائی روز از نظام هستی استعاره آورده شده است با این جامع که بر هر یک از آن دو چیزی که پنهان بوده، آشکار می‌گردد. مثلاً با کندن پوست، گوشت ستور و با غروب خورشید، تاریکی آشکار می‌گردد». (حریز، ۲۰۰۶م: ۷۹) اگر توجه کنیم در می‌بایم که استعاره را می‌توان مکئیه برشمرد؛ بدینگونه که «شب: مستعارله» بیان شده و «حیوان: مستعارمنه» بیان نشده و «شب» را چونان «حیوان» دانسته که پوست آن کنده می‌شود. در جایی دیگر می‌توان گفت که: «روز» به «پوست حیوان» همانند شده است.

(نوع استعاره: استعاره تصریحیه تبعیه: مستعارله (ذکر نشده): «پرده» برداشتن - مستعارمنه (ذکر شده): پوست کندن)

۷-۲. نقد ترجمه‌ها

در بررسی ترجمه‌ها می‌بینیم که تنها «فولادوند» و تا اندازه‌ای «معزی» ترجمه‌ای استعاری، پیشکش کرده‌اند و تلاش داشته‌اند که بنیادهای بلاغی ترجمه را پاس بدارند و به آن به دیده موشکافانه بنگرند. از این رو ترجمه آنها، زیبایی استعاره را در خود نگه داشته است. شگفتی آیه‌های قرآنی تا اندازه بسیاری به کاربرد آرایه‌های بلاغی و بویژه استعاره در آن بستگی دارد که اگر به این نکته توجه چندانی نشود، ترجمه کار ساده و بار معنایی بس اندکی دارد. نمونه

آن، ترجمه دیگر مترجم‌ها است که معنای استعاری را در ترجمه خود به کار نگرفته و تنها به معنای حقیقی آیه، بسنده نموده‌اند.

۸. «إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ» (حاقه: ۱۱)

به راستی ما - آنگاه که در عصر نوح آب طغیان کرد - پیشینیان شما را بر آن کشتی سوار کردیم. «صفوی»

(شما مردم فرزندان نوحید که) ما چون طوفان دریا طغیان کرد شما را به کشتی نشانیدیم. «الهی قمشه‌ای»

ما چون آب طغیان کرد، شما را بر کشتی سوار نمودیم. «فولادوند»

ما آنگاه که سیلاب طغیان کرد، شما را بر کشتی سوار نمودیم. «خرمشاهی»

بدرستی که ما چون طغیان آب بود، برداشتیم شما را در کشتی. «شعرانی»

همانا گاهی که فزونی گرفت آب، سوارتان کردیم در رونده. «معزی»

۱-۸. شرح استعاره

در این آیه، «طغیان» برای «کثرت آب» با جامع خارج شدن از حد اعتدال، استعاره آمده است. این آیه، دارای استعاره یگانه‌ای است که تنها در قرآن دیده می‌شود؛ چرا که «طغیان» که ویژگی آدمی است برای آب استعاره آورده شده است. (حریز، پیشین: ۸۰) در این آیه «طغیان به معنای زیادت آمده است». (الجارم و امین، پیشین: ۹۰) البته شاید بتوان این استعاره را مکنیه نیز به شمار آورد به این گونه که «آب: مستعارله» بیان شده و «انسان: مستعارمنه» نیامده و «آب» را به «آدمی» همانند ساخته در سرکشی نمودن.

(نوع استعاره: استعاره تصریحیه تبعیه: مستعارله (ذکر نشده): بالا آمدن از فراوانی و کثرت - مستعارمنه (ذکر شده): سرکشی کردن)

۲-۸. نقد ترجمه‌ها

خوشبختانه در ترجمه بیشتر مترجم‌ها، ترجمه استعاری به کار گرفته شده است که این خود باعث گیرایی ترجمه نیز شده است؛ چرا که طغیان ویژگی آدمی را در ترجمه نیز همچون آیه قرآنی بیان نموده‌اند. با همه این‌ها، گاهی به این نکته ریز و با ارزش در ترجمه برخی مترجم‌ها، ارجی نهاده نشده که ترجمه آنها نیز از ارزش کمتری نسبت به ترجمه استعاری برخوردار است؛ چرا که معنای مجازی در آن به کار نرفته و به جای آن، معنای غیر استعاری یا حقیقی آمده و ذهن خواننده چندان در پیگیری معنای مجازی پرسیه نمی‌زند و یک راست به معنای حقیقی پیش‌روی خود می‌رسد. این مصداق در ترجمه «معزی» نمود می‌یابد.

۹. ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ (حجر: ۹۴)

اینک آنچه را بدان فرمان یافته‌ای اعلان کن و دعوتت را آشکار ساز و از مشرکان روی بگردان. «صفوی»

پس تو آشکارا آنچه مأموری (به خلق) برسان و از مشرکان روی بگردان. «الهی قمشاهی»

پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب. «فولادوند»

پس آنچه دستور یافته‌ای آشکار کن و از مشرکان روی بگردان. «خرمشاهی»

پس آشکار کن به آنچه مأمور شده‌ای و رو بگردان از مشرکان. «شعرانی»

پس بانگ درده بدانچه مأمور شوی و روی برگردان از شرک‌ورزان. «معزی»

۹-۱. شرح استعاره:

در این آیه کریمه، «الصدع: شکستن شیشه» برای تبلیغ و رساندن پیام استعاره آورده شده است. (حریز، پیشین: ۸۱)

(نوع استعاره: استعاره تصریحیه تبعیه: مستعارله (ذکر نشده): پیام رساندن و آشکار نمودن - مستعارمنه (ذکر شده): شکستن و شکافتن)

۹-۲. نقد ترجمه‌ها

ترجمه‌ای که به معنای استعاره گرایش داشته و از بیان معنای حقیقی و غیراستعاره‌ای آیه خودداری ورزد، گیرایی و شیوایی ترجمه را بیشتر می‌سازد. هر چند در هیچ یک از ترجمه‌های این آیه، چنین ترجمه‌ای (استعاره) دیده نمی‌شود. همانگونه که آشکار است، همگی مترجم‌ها به معنای اصلی واژه توجه داشته و از بیان معنای استعاره دست کشیده‌اند. البته رأی نگارندگان این جستار هرگز بر این پایه نیست که این مترجم‌ها در ترجمه این آیه و یا آیه‌های دیگر، دچار لغزش شده‌اند، بلکه خواست آنها بر این بوده که استعاره‌های قرآنی را نشان داده و به ترجمه پارسی آن نظر افکنده و آشکار گردانند که آیا در ترجمه پارسی، معنای استعاره را به کار گرفته یا از کاربرد معنای استعاره آن دست کشیده‌اند.

۱۰. ﴿...لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ...﴾ (نساء: ۵۶)

تا عذاب را بچشند... «صفوی»

تا (سختی) عذاب را بچشند... «الهی قمشاهی»

تا عذاب را بچشند... «فولادوند»

تا عذاب را بچشند... «خرمشاهی»

تا بچشند عذاب را... «معزی»

تا بچشند عذاب را... «شعرانی»

۱۰-۱. شرح استعاره

چنانکه در آیه دیده می‌شود، خداوند با گفتاری شگرف، واژه «چشیدن» را به جای «درک کردن» استعاره آورده است. زیبایی این آیه در استعاره آن نهفته است؛ چرا که اگر «لیدرکوا» به جای «لیدوقوا» بیان می‌شد دیگر این زیبایی و گیرایی که هم‌اکنون در آیه نمایان است، به چشم نمی‌خورد. از این رو است که خداوند، عذاب را چون خوراکی بسیار تلخ و ناگواری ابراز داشته تا دیده آدمی فرو رفته در مادیات گیتی تا اندازه‌ای توان درک این آیه، برایش ممکن گردد. استعاره را به گونه‌ای دیگر می‌توان مکنیه به شمار آورد. «در این سخن پروردگار: (لِیَذُوقُوا الْعَذَابَ) استعاره مکنیه وجود دارد که تعبیر از «ادراک العذاب» با «الذوق» آمده به گونه‌ای نشان از این دارد که عذابی همیشگی یا چشیدن «مرارة العذاب» همراه با احساس درد است... که مشبه به در اینجا حذف شده و یکی از لوازم آن یعنی «ذوق» بیان شده است». (الصفافی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۶۶)

(نوع استعاره: استعاره تصریحیه تبعیه: مستعارله (ذکر نشده): درک کردن - مستعارمنه (ذکر شده): چشیدن)

۱۰-۲. نقد ترجمه‌ها

با نگرش به ترجمه این آیه، می‌بینیم که خوشبختانه همگی مترجم‌ها در ترجمه خود به استعاره نهفته در آن توجه نموده‌اند و ترجمه‌شان به گونه‌ای است که عین استعاره آیه قرآنی را در خود گنجانیده است.

همانگونه که دیدیم «ترجمه استعاره از دشوارترین امور به شمار می‌رود؛ چرا که ترجمه بسیاری از استعاره‌ها و برگردان آن از زبان اصلی به زبانی دیگر، تا اندازه‌ای خارج از چارچوب توان مترجم است». (منبع ذکر نشده است؟؟)

نتیجه‌گیری

با بررسی و ارزیابی ترجمه مترجم‌ها از ده استعاره برگزیده قرآنی، در می‌یابیم که از یک سو، ترجمه «الهی قمشه‌ای» و پس از آن «فولادوند» در پرداختن به استعاره‌ها از دقت و ژرفای بیشتری نسبت به دیگر ترجمه‌ها برخوردار بوده است. «صفوی» و «شعرانی» هم در این خصوص به گونه‌ای همسان عمل کرده‌اند و در رتبه بعدی جای دارند. «خرم‌شاهی» و «معزی» نیز از دیگر مترجم‌ها به موفقیت کمتری در ترجمه استعاره‌ها دست یافته‌اند. از سوی دیگر ترجمه آزاد، دارای بیشترین درصد در ترجمه آیه‌ها به شیوه «استعاری مطلوب» و کمترین خطا یعنی ترجمه «غیراستعاری» نسبت به دیگر ترجمه‌ها است، از این رو آشکار می‌گردد که این سبک ترجمه، بهترین ابزار برای نشان دادن استعاره‌های قرآنی است. همچنین ترجمه وفادار هم پس از آن، دارای درصد صحت بیشتری نسبت به ترجمه تحت‌اللفظی

در برگرداندن استعاره‌ها است. ترجمه تحت‌اللفظی نیز همانگونه که روشن است، ابزار چندان مناسبی برای برگردان استعاره‌ها نیست؛ چرا که درصد ترجمه «استعاره نامطلوب» و «غیراستعاری» آن نسبت به دیگر ترجمه‌ها بیشتر است. در پایان پژوهش، چند پیشنهاد برای بهسازی و گیرایی ترجمه قرآن در روند ترجمه استعاره‌های بلاغی آن پیشکش می‌گردد:

- گاهی اوقات بهتر است که مترجم قرآن، در ترجمه استعاره قرآنی که عین استعاره و معادل آن در زبان مقصد وجود ندارد، هر دو معنا را یعنی - حقیقی و مجازی - را به ترتیب بدون پرانتز و داخل پرانتز بیان دارد تا خواننده پارسی‌زبان به این کاربرد شگرف بلاغی در قرآن آگاهی یابد و پیوند میان معنای مستعارله و مستعارمنه را دریابد.

- پیشنهاد می‌گردد که در ترجمه استعاره‌های قرآنی، استعاره‌ای دیگر در صورت وجود به زبان پارسی بیان شود که این کار بر زیبایی و گیرایی بیشتر ترجمه می‌افزاید؛ چنانکه در ترجمه «خرمشاهی» دیده شد.

- در خور است که پارسی‌زبانان تشنه بلاغت قرآنی، برای دریافت بهتر استعاره‌های نهفته در قرآن، به ترتیب به ترجمه‌های آزاد و سپس وفادار، نظر بيفکنند.

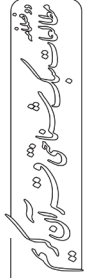
جدول مربوط به نتایج بررسی ترجمه استعاره‌های قرآنی

| میانگین همه ترجمه‌ها | | | | | غیر استعاری | بینابین | معادلی | استعاری نامطلوب | استعاری مطلوب | شیوه ترجمه استعاره ← | مترجم‌ها و سبک ترجمه‌ها ↓ |
|----------------------|---------|--------|-----------------|---------------|-------------|---------|--------|-----------------|---------------|-------------------------|------------------------------|
| غیر استعاری | بینابین | معادلی | استعاری نامطلوب | استعاری مطلوب | | | | | | | |
| % ۳۵ | - | - | % ۲۰ | % ۴۵ | % ۳۰ | - | - | % ۲۰ | % ۵۰ | «شعرانی» | تحت‌اللفظی |
| | | | | | % ۴۰ | - | - | % ۲۰ | % ۴۰ | «معزی» | |
| % ۴۰ | % ۵ | % ۵ | - | % ۵۰ | % ۵۰ | - | % ۱۰ | - | % ۴۰ | «خرمشاهی» | وفادار |
| | | | | | % ۳۰ | % ۱۰ | - | - | % ۶۰ | «فولادوند» | |
| % ۳۰ | % ۱۰ | - | - | % ۶۰ | % ۲۰ | % ۱۰ | - | - | % ۷۰ | «الهی قمشبه‌ای» | آزاد |
| | | | | | % ۴۰ | % ۱۰ | - | - | % ۵۰ | «صفوی» | |

منابع و مأخذ:

- «قرآن کریم»
 - ادیبی مهر، محمد، (۱۳۸۶ش): «تحلیل ارکان استعاره‌های پیچیده نهج البلاغه»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
 - امانی، رضا؛ و یسرا شادمان، (۱۳۹۱ش): «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرایند ترجمه»، مطالعات قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۰.
 - امیرمشهدی، محمد؛ عبدالله واثق عباسی و مهدی دهرامی، (۱۳۸۹ش): «استعاره‌های نو و چند لایه در شعر خاقانی»، فنون ادبی دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره ۲، (پیاپی ۳).
 - جهان‌بین، محمد، (۱۳۸۸ش): «نقدی بر ترجمه قرآن در مفاتیح الجنان»، پژوهش‌های قرآنی، سال پانزدهم، ش ۵۷.
 - رضا،؟؟؟؟؟ (۱۳۶۸ش): «تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب»، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، جلد هشتم، چاپ اول.
 - زرکوب، منصوره، (۱۳۷۸ش): «روش نوین فن ترجمه»، اصفهان: انتشارات مانی، چاپ سوم.
 - شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴ش): «بیان»، تهران: انتشارات فردوس، چاپ پنجم.
 - معروف، یحیی، (۱۳۸۴ش): «فن ترجمه؛ اصول نظری و عملی ترجمه»، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
 - نیومارک، پیتر، (۱۳۸۶ش): «دوره آموزش فنون ترجمه»، ترجمه منصور فهمید و سعید سبزیان، تهران: انتشارات رهنما، چاپ دوم.
 - هاوکس، ترنس، (۱۳۹۰ش): «استعاره»، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز، چاپ چهارم.
 - ابن أحمد العطاس، عبدالله، (۱۴۲۴ق): «دراسة البلاغة العربية فی ضوء النص الأدبی للناطقین بغير العربية»، مجلة جامعة أم القرى لعلوم الشریعة و اللغة العربية و آدابها، ع ۲۶، ج ۱۵.
 - ابن منظور (۱۴۰۵ق): «لسان العرب»، قم: نشر أدب الحوزة.
 - ابو العدوس، یوسف، (۱۹۹۷م): «الإستعارة فی التقاد الأدبی الحديث-الأبعاد المعرفیة و الجمالیة»، عمان: منشورات الأهلیة، الطبعة الأولى.
 - الجارم، علی و مصطفى أمين، (۱۹۹۹م): «البلاغة الواضحة؛ البیان، المعانی و البدیع للمدارس الثانویة»، القاهرة، دارالمعارف.
 - حرز، سامی محمد هشام، (۲۰۰۶م): «نظرات من الإعجاز البیانی فی القرآن الکریم- نظریا و تطبیقا»، عمان: دارالشروق للنشر و التوزیع، الطبعة العربية الأولى.
 - الرازی، فخرالدین محمد بن عمر، (۲۰۰۰م): «مفاتیح الغیب»، بیروت: دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
 - الزمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، (د.ت): «الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل»، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 - سقال، دزیره، (۱۹۹۷م): «علم البیان بین النظریات و الأصول»، بیروت: دارالفکر العربی، الطبعة الأولى.
 - شواخ اسحاق، علی، (۱۴۰۴ق): «معجم مصنفات القرآن الکریم»، ریاض: دارالرفاعی.
 - الصافی، محمود بن عبدالرحیم، (د.ت): «الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه»، تهران: انتشارات مدین.
 - العسکری، ابوهلال، (۱۹۵۳م): «الصناعتین»، تحقیق: علی محمد البجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم: دارالإحياء الکتب العربیة، الطبعة الأولى.
 - قلیقله، عبده عبدالعزیز، (۱۹۹۲م): «البلاغة الإصطلاحیة»، القاهرة: دارالفکر العربی، الطبعة الثالثة.
 - مجمع اللغة العربیة، (۱۹۹۴م): «المعجم الوجیز»، تصدیق بقلم: ابراهیم مکدور، مصر: وزارة التریبة و التعلیم.
 - الهاشمی، أحمد، (۱۹۹۹م): «جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع»، بیروت: المكتبة العصریة، الطبعة الأولى.
 - هدارة، محمدمصطفى، (۱۹۸۹م): «فی البلاغة العربیة-علم البیان»، بیروت: دارالعلوم العربیة، الطبعة الدولی.

- SEKHRI Ouided ,(2008), “Problems in Translating Tenses From English into Arabic”, The Present Perfect: A Case Study, Dissertation submitted in partial fulfilment of the requirements for the Master Degree in Applied Language Studies, People’s Democratic Republic of Algeria, Ministry of Higher Education and Scientific Research, MENTOURI University Constantine, Faculty of Letters and Languages, Department of Foreign Languages.



سال اول
شماره اول
پائيز و زمستان
۱۳۹۶